

زمین برای دهقانان ایرانی

این نکته مهم از نتایج "اصلاحات ارضی" مسلم است و آن اینکه اصلاحات مذکور به دهقان ایرانی زمین نداده و نمی تواند است. این بدو. مضمون عمده "اقتصادی این اصلاحات را میتوان چنین خلاصه کرد: نگهداری بهترین زمین ها برای مالکان، فروش قسمتی از زمین ها به دهقانان و باین وسیله تملک قسمتی از درآمد ملی (تحت عنوان بهای اراضی فروخته) بوسیله مالکان و به کارانداختن درآمد مذکور برای استثمار بیشتر توده زحمتکشان بشوید های جدید و خواه در درکشاورزی و خواه در شهر در صنایع.

اکنون بهترین اراضی ایران در تملک ویا در تصرف این گروههاست: مالکان بزرگ سابق مرغوبترین زمین های خود را بعنوان سهم پس از تقسیم ویا بعنوان کشاورزی مکانیزه، باغ، قلمستان، مویستان و غیره نگهداشته اند. هم آنها هم عید جدیدی از غارتگران از اقتدار وابسته به دربار ویا افسران ویا روسای امنیت وادارات دولتی بتصرف زمین های جدید دست زد مانند اراضی دشت مغان، دشت ناز، اطراف کابون، دشت کرگان که سابقا بطور شجاع در اختیار زارعان ترکمن بود و حالا بهترین آنها در کار رودخانه ها در تصرف دربار ویا افسران ارشد ووزیرکوبانی از قاضیان آن است. ترکمن های کشاورز وچوپان روز بروز بیشتر بزمن های مرغوب رانده میشوند ویا بصورت کارگران استثمار زده زمین های مرغوب درمی آیند. عدای از مالکان و سرمایه داران در کار شرکت های خارجی واحدهای گشت و صنعت، اراضی زیر سد های بزرگ را به تصرف در آورده اند. این سدها که قرار بود به زمین های تهنه و مزارع خشک دهقانان آب برساند بصورت منابع سود سرشار برای امپریالیست ها و آستان بوسان آنها درآمده است. و در این سدها هم آب هست و هم نان. ولی نه برای دهقان ایرانی بلکه برای کسانی که آب و نان او را می ربایند.

امروز نه فقط دهقانانی که همچنان بزمین مانده بلکه آن دهقانانی نیز که قطعه زمینی دریافت کرده اند معنای اصلاحات ارضی را در زیر بار قسط و دشواری های رفع نشده روزانه، در زیر فشار مویسات کویا کویا کشاورزی و زاندارم، به شدت درک میکنند. چه بسیار از آنها که هم اکنون زمین "امانتی موقتی" را از دست داده و به اجاره داری ویا خوش نشینی و کارگری افتادند. تجربه جهانی نشان میدهد که تقسیم اراضی در صورتی که واقعا انجام گیرد - اگر با حمایت دولت از مالکیت جدید دهقانی همراه نباشد، اگر وام ها و اعتبارات دولتی بحدک دهقان فقیر و میانه حال نیاید، اگر بزرگه رباخواران، دلالان، سلف خران و سایر زالوهای فتنه و جدید در دهرات مبارزه جدی نشود بزودی به تعمیق شکاف بین دهقانان، بورژوازی اکثریت آنها و ازدیت و زمین مالکیت روز بروز آنها خواهد انجامید. هرگاه این اقدامات انجام نگیرد تقسیم زمین برای توده دهقانان بصورت خواب و خیال چند شبهه در خواهد آمد که واقعیت و خشتنک تازهای درین خواهد داشت. در حکومت ضد خلقی محمد رضا شاه پنه توده دهقان زمین داده نشد ولی هر جا که زمینی به تعدادی از دهقانان فروخته شد همین نتیجه بهار آمد.

یکی از شقوق عمده اصلاحات ارضی محمد رضا شاه که شق اجاره است و آن را پدیده مرفقی جا میزنند در واقع چیزی دیگری جز شکل قرون وسطائی استثمار نیست. واقعیت این است که از لحاظ تاریخی - وابستگی اقتصادی دهقان به مالک در شیوه های ماقبل سرمایه داری به شکل ظاهر میکند: بیلا بشکل بیگاری، یا بشکل پرداخت بهره جنسی ویا بشکل پرداخت بهره پولی که همان اجازه داری است.

اجاره داری دهقان نه فقط بقیه در صفحه ۲

برقراری دهمین کنگره حزب کمونیست چین کنگره وحدت و پیروزی

دیکتاتوری پرولتاریا در چین توده های است. کنگره دهم نفی و طرد تسلیم طلبی در برابر ریزش های شوروی و تأیید منی مقاومت بیخنده و استوار در مقابل تهورت بزرگ و سیادت طلب شوروی و آمریکا است. کنگره دهم نشان میدهد که جمهوری توده های چین همچنان در نیرومند سوسیالیسم و انقلاب و مدافع مطلق و یسار وفادار خلق های جهان خواهد بود.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان پیروزی کنگره دهم را به شما و همه کمونیست ها و بهمه خلق چین تهنیت میگوید و موفقیت شما را در اجرای منسی و ره نمود های انقلابی کنگره دهم خواهان است.

افتخار بر کنگره دهم حزب بزرگ کمونیست چین! برافراشته باد درفش پیروزگر آموزش مارکس انگلس لنین، استالین و مائوتسه دون!

درد پر شور بر رفیق مائوتسه دون، استوار بزرگ انقلاب و آموزگار پرولتاریای جهان! استوار باد انترناسیونالیسم پرولتری!

سازمان مارکسیستی توفان

۱۷ شهریور ۱۳۵۲ - ۸ شهریور ۱۳۵۳

کنگره دهم حزب کمونیست چین از ۲۴ تا ۲۸ اوت در پکن با صدارت رفیق مائوتسه دون تشکیل شد. دستور کنگره عبارت بود از: ۱- گزارش سیاست کمیته مرکزی حزب کمونیست بوسیله رفیق چون لای ۲۰- گزارش درباره تغییراتسی در اساسنامه حزب و طرح اساسنامه جدید بوسیله رفیق وانگ هونگ - ون ۳- انتخاب دهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین.

خلاصه گزارش سیاست رفیق چون لای در صفحه ۳ از نظر خوانندگان گرامی میگردد.

اینک تهنیت نامه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان به دهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بمناسبت برگزاری دهمین کنگره آن حزب:

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

رفقای عزیز

کنگره دهم حزب کمونیست چین که بحق کنگره وحدت و پیروزی نامیده شده مایه دلگرمی و الهام بخش همه کمونیست ها و انقلابیون جهان و منجمله ایران است. کنگره دهم نتیجه و ثمره مبارزات عمیق حزب و خلقی چین، در هم شکننده یک جریان ضد حزب و آوانتروستی و مظهر پیروزی منی انقلابی و اندیشه مائوتسه دون است. کنگره دهم تحکیم کننده نقش رهبری حزب و

نقاب «امنیت جهانی»

جنگ هسته ای جهان را در خطر نابودی خواهد افکند. همان داستان مضامین کهنه با شکلی تازه!

این تاکتیک جدید و امپریالیسم کوششی است برای فریب افکار عمومی و بست کردن هوشیاری توده ها، پرده ای است که در پشت آن مسابقه تسلیحاتی همچنان دنبال میشود، "کک" اقتصادی و فروش اسلحه و بنا بر این کوشش در توسعه مناطق نفوذ و اجرای سیاست تجاوز و مدخله در امور داخلی کشورهای دیگر همچنان ادامه مییابد و بدیهی است که تضاد آنها همچنان باقی می ماند و حاد تر میشود.

تاریخ این تجربه را می آموزد که هر وقت که امپریالیست ها درباره صلح و امنیت جنجالی بر پا کرده اند برای آن بوده است که مسابقه تسلیحاتی و افزایش ظرفیت نظامی خود را در پیشیت آن پنهان دارند. هدف تبلیغات کونی نیز چیزی جز این نیست، اما دم خروس به اندازه ای آشکار است که مسکو و واشنگتن نخواهند توانست مقاصد خود را از نظر جهانیان پنهانند.

امریکا و شوروی همچنان از آزمایشهای اتمی بمنظور تکمیل و تکامل سلاح هسته ای، از افزایش و تکامل موشکهای حامل این سلاح ها دست برنداشته اند. بودجه های نظامی آنها پیوسته افزایش مییابد و حتی بودجه اسلحه آنها نسبت به سال گذشته افزایش نشان میدهد: امریکا و شوروی پایگاه های نظامی (هوایی، دریایی، زمینی) فراوانی در خارج از کشور خود دارند که نه تنها در اندیشه برجیدن آنها نیستند بلکه پیوسته درمی آند که بر تعداد آنها بیفزایند. صدها هزار نفر سرباز شوروی در کشورهای اروپای شرقی و مغولستان مستقر شده اند. سربازان امریکایی کشورهای اروپا و آسیا را در اشغال خود رانده و شوروی ۱۶۰ لشکر در بخش اروپائی خود و یک میلیون سرباز در سرحدات شمالی جمهوری توده های چین گرد آورده است. هر دو قدرت بزرگ پیوسته بر هواپیماهای بیب افکن بقوه بر صفحه ۲

رفقا و دوستان

اینک دو مرتبه متوالی است که ماهنامه توفان بعزت کثرت مطالب در ۶ صفحه منتشر میشود، و این امر فشار فوق العاده ای بر بنیه مالی اوست. بر شما رفقا و دوستان گرامی است که بیاری توفان بشتابید، تقویت مالی توفان را وجهه هست خود سازید، در فکر ابتکارات جدیدی در این زمینه باشید هرگز پرداخت آموغان توفان و بهای سایر نشریات ما را بنا بخیر نیندازید، پرداخت اعانه به توفان را وظیفه انقلابی خود بدانید لازمه یادآوری است که اگر ماهنامه توفان از امکانات مادی برخوردار باشد میتواند موارد بیشتری در نشر صفحه منتشر شود و گروه بیشتری از مسائل ایران و جهان را در برگیرد.

راد یوسکو بزیان فارسی اخیرا بارها ناله سرداده است که مفهوم "دو ابر قدرت" و همکاری آن دو برای فرمانروائی بر جهان کویا کویا از هرگونه پایه واقعی و محصول تخیل کسانانی است که میخواهند از صلح و امنیت و تخفیف تشنج بین المللی جلوگیری کنند. اما موضوع همکاری امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی امروز آنچنان عیان و چشمگیر است که همه کسی آنرا می بیند و نمیتواند نهیاند. روزی نیست های ایرانی هر اندازه در مطبوعات خود همکاری شوروی و امریکا را در صحنه جهانی بخاطر حفظ و توسعه مناطق نفوذ "افسانه" بخوانند و آنرا ناشی از روحیه "ضد شوروی" بشمار آورند تغییری در واقعیت نمیدهد. در واقع آنها هستند که چشم خود را بر روی حقایق می بندند و نمیتوانند نه بندند.

واقعیت همکاری دو قدرت بزرگ امپریالیستی بخاطر استقرار سلطه خود بر سراسر جهان پدیده تازه ای نیست. اما آنچه که تازه است اینست که این دو ابر قدرت بدنهال ملاقات هائی که میان سران آنها روی داده و مذاکراتی که صورت گرفته و توافق هائی که بعمل آمد میخواهند اینگونه وانمود سازند که این توافق ها گویا به دوران جنگ سرد پایان بخشیده، از کشش بین المللی گاسته و دوران صلح و امنیت را در سراسر جهان نوید میدهد، توافق های آینده نیز به آن استحکام بیشتری خواهد بخشید. از اینرو است که در سالهای اخیر زمانه امانت و مزبوران آنها بر سودای زیادی درباره صلح و امنیت بسراه انداخته اند: کنفرانس امنیت اروپا، سیستم امنیت جمعی آسیا، کنفرانس وین درباره تقلیل ظرفیت نظامی در اروپا، توافق های امریکا و شوروی بر سر مسائل مربوط به سلاح هسته ای و موشک های حامل آن... اینها صحنه سازیها می است که زمامداران کرملین با آنها افکار و آذهان جهانیان را مشغول داشته اند. در راه آینده نیز کنگره جهانی صلح که به اشاره آریابان مسکو تشکیل میگردد بر تمام اقدامات ریاکارانه سوسیال امپریالیسم شوروی صحنه خواهد گذاشت و توده عار را به پشتیبانی از این اقدامات دعوت خواهد کرد.

هدف از این تبلیغات اینست که توافق های خود را با امپریالیسم امریکا بجای "گاشتر خطر جنگ"، پایان جنگ سرد، آغاز دوران امنیت و عدم توسل بزرگ و... جا بزنند و در انتظار توده های مردم اینطور بنمایانند که این توافق ها ضامن "صلح و امنیت" بین المللی است و اصولا گویا تعادل نیروهای دو قدرت بزرگ و هم آمنگی میان تسلیحات آن دو عامل تعیین کننده حفظ صلح جهانی است و بنا بر این باید نه تنها از این توافق ها پشتیبانی کرد بلکه بگاری دست نزد کنسبات و قدرت بزرگ به سردی گراید و بوخاست رود چه در این صورت

کمر بند نظامی

روزنامه "زری ای پوپولیت" ارکان مرکزی حزب کارآلبانی در ۶ اوت در مقاله‌ای زیر عنوان "تعرض بر طبعه انحصارهای نفتی در امداد" پس از توصیف دامنه مبارزات خلق‌ها بر ضد انحصارهای نفتی می‌نویسد:

"پیروزی‌های بدست آمده فقط آغازی از مبارزه ای طولانی و دشوار بر ضد انحصارهاست. انحصارهای خارجی بر کوشش خود بوجه خاصی افزوده اند تا در این هنگام که دنیای غرب ببحران خطیر مواد سوخت گرفتار است از نهضت نیرومند کشورهای مولد نفت جلوگیری کند. بویژه اعمال فشار و شانتاژ از طرف ایالات متحده آمریکا در جریان است.

کوشش‌هایی بعمل می‌آید که در میان کشورهای عضو اوپک تفرقه بیفتند و آنها را بجان یکدیگر بیندازند. این امر در مناطق خاورمیانه بچشم می‌خورد. برای نیل باین هدف به رژیم‌های ارتجاعی خاورمیانه چشم امید دوخته‌اند. دیدن بازیدهای متعددی که این اواخر میان تهران و عمان صورت گرفت، اعزام پیاپی فرستادگان واشنگتن و سایر کشورهای امپریالیستی باین منطقه، تشکیل کنفرانس سفره آمریکا در تهران تحت رهبری معاون وزارت خارجه آمریکا کنت راش و بویژه معاملات هدیده فروش اسلحه به عربستان سعودی، ایران و امارات خلیج عربی که بچند میلیارد دلار و لیره بالغ

بر ضد خلق‌های خاورمیانه

میشود. همگی گواه این امر است که میکوشند تا، بعنوان دنباله پیمان سنتو، یک کمر بند نظامی بر ضد خلق‌های این منطقه و بمنظور دفاع از سیادت قدرت‌های امپریالیستی بوجود آورند. از طرف دیگر، همانطور که روزنامه "فرانسوی" لوپوشن" خبر می‌دهد، وزارت دفاع آمریکا نقشه‌های مشخصی طرح کرده است که هرگاه کشورهای عربی بقطع ارسال نفت پارویادست بزنند نیروهای نظامی بوسیله هواپیما در نقاط معینی از خاورمیانه می‌آید بشوند.

روزنامه "زری ای پوپولیت" می‌افزاید:

"سوسیال امپریالیست‌های شوروی نیز میکوشند که در منطقه خاورمیانه نفوذ کنند. نواستعمارگران شوروی در زیر نام "کمک" و "یا" اختیارات به سرمایه‌گذاری‌های متعدد و بمنظور بهره‌برداری از ثروت‌های خلق‌عرب دست زد مانند آنان قرارداد‌های متعددی در مسئله نفت با ایران و عراق و برخی دیگر از کشورهای عربی امضا کرده‌اند. روزنامه "زری ای پوپولیت" توضیح می‌دهد که چگونه سوسیال امپریالیست‌های شوروی نفتی را که از خاورمیانه می‌خرند بنویسه خود در اروپا می‌فروشند و با توسل بشبیه‌های سودجویانه سرمایه‌داری به رقابت با کشورهای صاحب نفت خاورمیانه می‌پردازند. همه اینها خطر مهمی را که از جانب قدرت‌های امپریالیستی متوجه خلق‌ها و تولیدکنندگان نفت است برجسته می‌سازد. . . ."

زمین برای . . . بقیه از صفحه ۱ آزاد کنند. او نیست بلکه شکل سرمایه‌داری که مبتنی به مصرف سرمایه و استخدام نیروی کار آزاد می‌باشد نیز بشمار نمی‌آید. همچنان در مرحله افزایش‌های بدوی بهره‌برداری کوچک و کم محصول باقی خواهد ماند: رژیم کودتا می‌خواهد تقسیم اراضی برحسب نسق بندی را ابتکاری شگرف جلوه دهد. ولی صرف نظر از اینکه همین تقسیم نیز جز در موارد مشخص و آنهم بمنفعت مالک صورت نگرفته است باید گفت که حفظ نسق بندی ده بخودی خود حفظ پدیدهای قرون وسطایی است زیرا که نسق بندی در طی دهها سال بلکه طی قرن‌ها بسود مالک و برحسب دلخواه او بر اساس دارائی دهقانان، گاو، بز و غیره صورت گرفته است و هسته عوامل پنجگانه قنودالی را در بردارد. روزی که اصلاحات ارضی واقعی در ایران بوقوع پیوندد این نسق بندی بر اساس منافع اکثریت دهقانان تهیدست و میانه‌حال و برحسب شرایط رشد نیروهای مولد بهم ریخته خواهد شد، و این کار فقط از عهد کیمته‌های دهقانی که آشنائی کامل بعمل دارند امکان پذیر خواهد بود.

رژیم کودتا تشکیل شرکت‌های سهامی زرعی رانه فقط از معجزات خود می‌شمارد بلکه آنها را تکیه‌گاه مالکیت دهقانی جلوه می‌سازد. ولی واقعیت اینست که وجود این شرکت‌ها یکی از وسائل تحکیم و تعمیق اختلافات طبقاتی و سلب تدریجی مالکیت از دهقانان است. در این شرکت‌ها که صاحبان زمین نسبتاً وسیع، سرمایه‌داران، متنفذان محلی و ادارای اراضی عدای از دهقانان را بعنوان شریک تحت نظارت و بهره‌برداری دارند از یک سو ثروت و از سوی دیگر فقر متراکم میشود و چه بسا که دهقانان مذکور پس از چندی ناگزیر زمین خود را بیک یا از اعضا شرکت می‌فروشند و دهقانان بیزمین می‌پیوندند. خود شاه صریحاً در مهرماه ۱۳۴۶ در مورد این شرکت‌ها دستور داد:

"باید تدریجاً زمین را تشویق نمائید سهام خود را بیکدیگر یا بخود شرکت منتقل نمایند و نقاط دیگر نقل مکان کنند تا آن‌ها که باقی می‌مانند بتوانند از یک زندگی کاملاً مرفه بهره‌برداری کنند". باید گفت: فقط آن شرکت‌ها تعاضی می‌توانند دهقانان فقیر و میانه‌حال را از بینوائی آزاد کند که هرچه بیشتر مبتنی بر اندازه کار باشد نه بر اندازه زمین و سرمایه. و چنین شرکت‌هایی فقط تحت رهبری کیمته‌های دهقانی می‌توانند بوجود آید و بسود دهقان فقیر و میانه‌حال تکامل یابد. در صورتی که این تجارت است که باید با اعتقادی راسخ و عزیمت جزم ترید دهقانان توضیح داد که: تا زمین از دست ملاکان بهره‌بردار نیاید بدست دهقانان نخواهد رسید، و این امر فقط حکومت دموکراسی نوین برهبری طبقه کارگر که مدافع منافع توده کارگر و دهقان است می‌تواند انجام دهد. تا چنین حکومتی بر روی ویرانه‌های حکومت کوفتی برای نشود تحول ارضی بسود اکثریت دهقانان امکان پذیر نخواهد بود. همانطور که لندن کبیر می‌آموخت: ممکن نیست بین اندازه تحولات ارضی و تحولات سیاسی هم‌آهنگی وجود داشته باشد. . . . تحول اقتصادی مستلزم رونمای سیاسی مناسب خواهد بود (جلد ۱۳ ص ۳۱۵).

این نکته‌ای است که روزی نیست‌های حزب توده ایران می‌توانند، و خیانت آنها در همین است.

نقاب . . . بقیه از صفحه ۱ حامل بسبب‌های هیدروژنی می‌افزاید، شوروی اعمیت خاصی به ناوگان جنگی خود می‌دهد بویژه زیر دریائی‌های اتی و ناوهای بزرگ هواپیما بر، ناوگان‌های جنگی و قدرت بزرگ اکنون در تمام دریاها و اقیانوس‌ها پراکنده‌اند و آرامش خلق‌ها را برهم می‌زنند. . . .

از دیدگاه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی افزایش اوم ظرفیت نیروهای نظامی و تسلیحات آنها گویا نشانه صلح و امنیت بین‌المللی است. آنها بخود حق میدهند نیروهای نظامی خود را تقویت کنند، سلاحهای گشتار دسته جمعی را با آزمایش‌های بی‌دریی تکمیل و برگزینند کنند، اما اگر کسی در برابر این دوفول آرمخوار در اندیشه دفاع از خود باشد گویا "بارف بحرانی بین‌المللی مخالفت می‌ورزد". آنها مانند اربابان قرون وسطی بخود حق میدهند از هرگونه سلاحی علیه رعیت استفاده کنند ولی به رعیت حق دفاع از خود را هم نمیدهند. اگر آنها واقعا خواستار تطهیل تسلیحات و جلوگیری از بروز جنگ اتی و استقرار صلح و امنیت بین‌المللی بودند آنگاه میبایست آنگونه که جمهوری تودهای چین پیشنهاد کرده است به اقدامات مشخص دست زنند، تمام سلاحهای اتی را نابود کنند، به مسابقه تسلیحاتی در تمام اشکال آن خاتمه دهند، پایگاه‌های نظامی خود را برچینند، سران را از خود را از کشورهای دیگر فراخوانند، ناوگان نظامی و جاسوسی خود را به سرزمینهای خوش بازگردانند، از تجاوز به کشورهای دیگر و اخله در امور داخلی آنها خودداری ورزند. . . .

آیا ادامه آزمایش‌های هسته‌ای، تکمیل موشکهای حامل سلاحهای اتی از اندیشه "امنیت بین‌المللی" منشا می‌گیرد؟ آیا حضور ناوگان جنگی و جاسوسی در دریاها و اقیانوس‌ها و حتی در آبهای ساحلی کشورهای دیگر عامل "رفع بدگمانی" است؟ آیا تمرکز طیونها سر باز در سرزمین و در سرحدات کشورهای دیگر تجزیه کشورهای دیگر در زیر نام "حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود" احساس اعتماد پیدا می‌آورد؟ . . .

این واقعیات نشان می‌دهد که دید و بازیدهای زمانه داران شوروی و آمریکا و موافقت‌هایی که میان آنها صورت می‌گیرد هیچ وجه مشترکی با صلح و امنیت جهانی ندارند، صحبت بر سر موافقت‌هایی است میان خود آنها برای آنکه مناسبات خود را بهبود بخشند، در زمینه تسلیحات با آهنگ مشابهی پیشی روند تا یکی بر دیگری تفوق نیابد ولی در مقابل کشورهای خلق‌ها دیگر همان سیاست دیرینه امپریالیستی و ضد انقلابی خود را کماکان ادامه خواهند داد.

خلق‌های انقلابی جهان فریب این تبلیغات مزورانه را نخواهند خورد و مبارزه خود علیه آنها ادامه خواهند داد. صلح و امنیت بین‌المللی جز با مبارزه با این دو قدرت بسزرگ امپریالیستی و دیگر نیروهای تجاوز و جنگ بدست نخواهد آمد.

سواد در روستا!

سیاهی دانش‌ها مینویسد:

"... همه بتنگ آمده‌ایم از دست بلندگوهای شاه که مرتباً از اعزام سپاهی دانش بروستا صحبت میکند. . . . این تبلیغات سرپوشی است که بر روی مسئله "مبارزه" دستگاه باسواد می‌گذاشته شده است. . . . همه میدانند که معلمین دهات ایران همان سپاهیان دانش‌اند: برای هر روستا یک سپاهی دانش، که برای مدرسه خود هم مدیر است، هم معلم و هم مستخدم و هم . . . به بنیمن نحوه تحصیل و تدریس در روستا‌ها پس از دانش‌شدن مدارس در اوایل آذرماه چیست. حتماً تعجب میکنید که چرا در اوایل آذرماه؟! ولی جای تعجب نیست. زیرا که در اوایل آذرماه است که روستازادگان کم کم از کار صحرا فارغ میشوند. آن وقت یواش یواش کلاس درس آماده میشود و در این "یگانه" کلاس، پنج نوع دانش‌آموز مشاهده میکنید: اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم. یعنی سپاهی دانش برای پنج کلاس یکجا تدریس میکند. این مسئله‌ای است سخت و ناراحت‌کننده. برای روشن شدن موضوع یک ساعت تدریس سپاهی را از نظر میگردانیم: فرض میکنیم در برنامه کلاس درس حساب یا دیکته و باقرات . . . دارد. او در عرض پنج‌ساعت دیکته (ساعت درس) مجبور است به دانش‌آموزان اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم تدریس بکند یعنی مدت تدریس و رسیدگی به تکالیف دانش‌آموزان هر کلاس فقط ده دقیقه است. . . . و تازه، این کار در حدود ۵/۴ ماه در عرض سال بیشتر دوام ندارد (یعنی درست نصف مدت قانونی سال تحصیلی)."

دلیلش هم روشن است: چون کار در صحرا در فروردین شروع میشود دهقان مجبور است جهت بدست آوردن روزی بخور و نمیزی خود شرمایه رفتن بجهت مدرسه بشود و همین جاست که مدرسه یا کلاس روستا تعطیل میشود و معلم ده بیکار می‌ماند. سپاهی در عرض سال تحصیل هفت ماه بیکار است، و برای حتی بودن این مسئله باید بگویم چرا در تعطیلات تابستانی سال . . . گویه سپاهیان دانش را جهت تدریس در کلاس‌های تقویتی و تجدیدی در دهستان‌ها بشهرها اعزام کرده بودند. این مسئله مدرک معکوس است بر اینکه در روستا از درس‌خبری نیست.

فقط فقط هیاهویی است که پاشده است. و اگر بخواهیم از دیدگاه دهقانان از نظر بگردانیم "این مدرسه" هم در نوبه خود شریک نوع مشکلی است که بعد از "انقلاب شاهانه" برای روستا پیدا شده است. . . . سپاهی دانش هم بیچاره میشود چونکه مجبور است برای اینکه واقعیت امر در جایی منعکس نشود گزارش‌های مجعول بدهد. . . ."

مداخلات نظامی ایران در یمن

روزنامه "الحریه چاپ بیروت در شماره ۹ ویژه تحت عنوان "یمن شمالی و تدارک جنگ تجاوزکارانه" جدید بر ضد یمن دموکراتیک" مینویسد:

این تدارک با کمک عربستان سعودی، ایران و همیشه و با پشتیبانی امپریالیسم آمریکا صورت می‌گیرد. "حسین مکی" معاون نخست وزیر یمن شمالی بایران رفت و کمک‌های نظامی و مادی از ایران دریافت کرد، از آن جمله: ۱- اخذ وامی بمبلغ ۱۷ میلیون لیره استرلینگ بدون بهره و برای مدت مدید. ۲- واگذاری ۱۰۰ تانک و سلاح‌های دیگر از طرف دولت ایران، که هم اکنون ۳۰ عدد از آنها به بندر حدیده رسیده است. ۳- یک هیئت نظامی ایرانی مرکب از هشتاد تن برای تعلیم نیروهای نظامی و دسته‌های مزدور وارد صنعاء و هم اکنون به کار پرداخته است.

خلاصه گزارش سیاسی کنگره دهم حزب کمونیست چین

بوسیله رفیق چوئن لای

دهمین کنگره حزب کمونیست چین در لحظه‌های تشکیل می‌شود که در گذشته ضد حزبی لین پیائو در هم شکسته شده، منی کنگره، نهم به پیر وزی غای بزرگ انجامیده و شرایط بسیار خوبی در داخل و خارج کشور فراهم آمده است...

هنگی میدانیم که گزارش سیاسی تقدیمی به کنگره نهم تحت رهبری شخص صدر مائو تنظیم شده بود. پیش از کنگره نهم لین پیائو به سمتی چن پوتای یک گزارش سیاسی فراهم آورد و بود مبتنی بر مخالفت با ادامه انقلاب در دیکتاتوری پرولتاریا و حاکی از این نظریه که وظیفه عمده پس از کنگره نهم عبارت از بسط تولید خواهد بود. این نظریه چیز دیگری نیست مگر بیانی تازه و در شرایطی جدید از آن حکم نامعقول و روزی نیستی که لیوشائوچی و چن پوتای در قطعنامه کنگره هشتم کجانبیده بودند و موجب آن تضاد عمده در داخل کشور تضاد نیست که پرولتاریا را در برابر بورژوازی قرار میدهد بلکه تضادی است "بین سیستم سوسیالیستی پیشرفته و نیروهای تولید اجتماعی عقب مانده".

طبیعی است که گزارش سیاسی تنظیمی لین پیائو و چن پوتای از طرف کمیته مرکزی رد شد. لین پیائو از چن پوتاکه صریحاً مخالفت با گزارش سیاسی تنظیمی تحت رهبری صدر مائو برخاسته بود محرمانه پشتیبانی میکرد و فقط آنگاه که این تشبیهات با ناکا می روبرو گردید بازگرا به قبول منی سیاسی کمیته مرکزی تن در داد و گزارش سیاسی کمیته مرکزی را در کنگره قرائت کرد.

ولی لین پیائو در هنگام کنگره دهم پس از آن بدون توجه به کوشش هائی که از طرف صدر مائو و کمیته مرکزی حزب بمنظور آموزش او و جلوگیری از گمراهی او و نجات او بعمل می آمد به تدارک مسائل و فعالیت های خرابکارانه ادامه داد و تا آنجا پیش رفت که در اوت ۱۹۷۰ هنگام دومین جلسه پلنوم کمیته مرکزی منتخب کنگره نهم کودتای ضد انقلابی براه انداخت که با شکست روبرو شد و در مارس ۱۹۷۱ نقشه کودتای مسلحانه ضد انقلابی موسوم به طرح کارها شماره ۵۷۱ را ریخت و در سپتامبر به کودتای مسلحانه انقلابی بمنظور شوم ضربه زدن بر حیات صدر مائو، رهبر بزرگ ما و تشکیل کمیته مرکزی جدید دست زد. پس از آنکه این دسیسه با ناکامی روبرو گردید روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در دانه سوار هواپیما شد تا بنزد رومینونیست های شوروی برود و باین طریق به حزب و بعین خیانت و ریزید ولی در خاک اوندور - هان در جمهوری تودهای مغولستان سرنگون شد.

در هم شکستن در گذشته ضد حزبی لین پیائو بزرگترین پیروزی حزب مائو از کنگره نهم و ضربه شدید بر دشمنان داخلی و خارجی است... این پیائو، این بزرگوار، این تجرعه رو، این رذله و تیره تشبیهات خود را در درون حزب مانده در عرضه و آند سال بلکه در طی چندین سال تعقیب میکرد. او جریانی را گذرانید که در طی آن تحولاتی یافت و سپس افشا شد. هم چنین برای شناختن او لازم می آمد که ماهم جریانی را از سر بگذرانیم.

لین پیائو در اوایل انقلاب دموکراسی نوین چین به حزب کمونیست پیوست. حتی در همان زمان گرفتار بدبینی شد و اعتماد بآینده انقلاب چین را از دست داد. صدر مائو کوی پس از کفرانس کونین نامه مفصل "از یک جرعه حریق برمیخیزد" را با نوشتن تا او را چنانکه باید و صورانه آموزش دهد. وقایع نشان میدهد که این پیائو جهان بینی ایدئالیستی خود را که خاص بورژوازی است بهمیچ وجه تغییر نداد و در سر پیچ های تند انقلاب پیوسته دچار خطای انحراف بر است میشود و در همه حال برای فریختن حزب و خلق به دوریه بازی و تظا غراند روغین میبرد اخت. بتدریج که انقلاب تکامل یافت و بویژه هنگامی که انقلاب بنا بر ماهیت خود با انقلاب سوسیالیستی مبدل گردید و روبه تعمیق رفت تا بورژوازی و سایر طبقات استثمارگر را بطور قطع سرنگون سازد، لین پیائو، بمتابه فرد مسئولیت داری که براسر مایه اری کام نهاد و فقط بسود اقلیت در فعالیت بود، ادعا و جاه طلبی خود را بنسبتی که مقام بالاتری می یافت پیوسته بیشتر کرد، نیروی خویش را زیاد از حد بحساب آورد در عین حال که به نیروی

خلق کم بهار از این زمان بود که دیکرتوانست خود را بروز ندهد، بناچار بجلوی صحنه آمد تا با پرولتاریا زور آزمائی کند. و آنگاه که بنا بر نیازمندی دشمنان طبقاتی داخلی و خارجی و به پیروی از فرمان رومینونیسم شوروی گستاخانه در صدر "بیسان سخنان قطعی خویش" برآمد، این امر باعث افشا کامل او شد و ورشکستگی قطعی او را پیش آورد...

حزب مائو در عرض نیم قرن شاهد دره مبارزه مهم میان دو خط منی بوده است. فروریختن در گذشته ضد حزبی لین پیائو بمعنای پایان مبارزه میان دو خط منی در درون حزب نیست. دشمنان مائو در داخل و خارج کشور همگی میدانند که تسخیر در از درون آسانتر است...

حتی در آینده نیز، هنگامی که طبقات از میان برخیزند تضاد میان رومینونیست های اقتصادی میان روابط تولید و نیروهای مولد همچنان وجود خواهد داشت...

جامعه سوسیالیستی در دوران تاریخی نسبتاً طولانی گسترش خواهد داشت و در تمام دوران مذکور طبقات، تضادها طبقاتی و مبارزات طبقاتی، مبارزه میان راه سوسیالیستی و راه سرمایه داری، خطر بازگشت سرمایه داری و خطر خرابکاری و تهاجم امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم هم برجای خواهند بود. مبارزه میان دو خط منی در درون حزب، بمتابه انعکاس تضاد های مذکور، مدت مدیدی ادامه خواهد داشت و باز هم بار، بیست بار، سی بار بوقوع خواهد پیوست، باز هم لین - پیائو ها و افرادی از نوع وان مین، لیوشائوسی، پین پن هوای، کائوکانگ ظهور خواهند کرد. این امری است که وابسته بسیچ اراده بشر نیست. از این جهت کلیه رفقای حزبی باید باندای کافی از لحاظ روحی برای مبارزه طولانی آینده آماده باشند. اکنون اوضاع بین المللی با تظاهرات بزرگی در سراسر کیتی همراه است... آرامش پدید می آید موقت و سطحی است و ظهور تظاهرات بزرگ همچنان ادامه خواهد داشت، تظاهراتی که برای خلق ها خوست نه بد...

لنین میگوید: "جوهر امپریالیسم همانا عبارتست از رقابت چندین دولت بزرگ بر سر سرکردگی". امروزه امریکا و شوروی، این دو قدرت بزرگ اتنی، بر سر سرکردگی با یکدیگر در رقابت اند. آنان بر سر هر بامی بموضع خلع سلاح میگردانند ولی عملاً هر روز به توسعه تسلیمات مشغول اند: هدف آنان احراز سرکردگی در جهان است. آنان در عین همکاری با یکدیگر در رقابت با یکدیگرند. و آنگاه که به بند و بست میگردانند بدان منظور است که بر رقابتی باز هم سهنگین تر دست بزنند. رقابت، مطلق و دوام است و حال آنکه بند و بست نسبی و گذرا است.

اعلام "سال اروپا" و انعقاد کفرانس امنیت اروپا نشان میدهد که نقطه اصلی رقابت آنها در زمینه استراتژیک اروپاست غرب داتامیکوشد که رومینونیسم شوروی را به شرق براند و این بلیه را متوجه چین گرداند: از این جهت برای او خیلی خوب خواهد بود اگر در غرب خبری نباشد. در حال حاضر رومینونیسم شوروی "در شرق جنجال راه می اندازد و در غرب ضربه میزند". او به رقابتی روز افزون در اروپا مشغول است، توسعه طلبی خود را در مد پترانه و اقیانوس هند و در کلیه مناطقی که توانسته است بآنها چنگ بیندازد ب سرعت به پیش میراند. رقابت میان امریکا و شوروی بر سر سرکردگی، منشا نا آرامی جهان است... این رقابت بمقاومت سر سخت جهان سوم برخورد و ناخشنودی ژاپن و مالک اروپای غربی را برانگیخته است. دو آبر قدرت امریکا و شوروی که در داخل و خارج در معرض هجوم دشواری ها قرار گرفته اند، روز بروز به وضع وخیم تری دچار می آیند...

غرض هائی که دو قدرت بزرگ امریکا و شوروی در سر میبرند یک چیز است و امکانات آنها در عملی شناختن اغراض خویش یک چیز دیگر... امپریالیسم امریکا پس از آنکه از تجاوز بر علیه کره شکست خورده بیرون آمد دیکر گرفتار افول شد، بانحطاط روز افزون خویش معترف گردید و با غطرار از ویتنام خارج شد. در گذشته رهبری رومینونیستی شوروی، از خروشچف

گرفته تا بر ژرف، طی بیست سال گذشته، یک دولت سوسیالیستی را بدولت سوسیال امپریالیستی بدل کرده است. در داخل باعث بازگشت سرمایه داری شده، دیکتاتوری فاشیستی اعمال میکند و ملیت های مختلف را برهقت در آورده است، بطوری که تضاد های سیاسی، اقتصادی و ملی هر روز در اتحاد شوروی حادث تر میگردد. در خارج بهجوم بر چکسلواکی و اشغال آن دست زده، ارتش در طول مرزهای چین متمرکز ساخته، سپاه در جنگی تودهای مغولستان گماشته است، پشتیبان باند خائین لون نول است، طعمیان کارگران لهستانی را سرکوب میکند، در لومبر مصر مداخله کرده و این امر موجب اخراج کارشناسانش از مصر شده است، پاکستان را تجزیه کرده و فعالیت های خرابکارانه در کشورهای گوناگون آسیا و افریقا مشغول است، همه این کارها از چهره زشت او که چهره تزار نوین میباشد پرده بر گرفته اند. اخیراً در گذشته مرتد بر ژرف به پخش بسیاری از سخنان

بی پایه در مسئله روابط چین و شوروی دست زده و مدعی شده که چین با آرامش بین المللی مخالف است و خواستار بهبود مناسبات چین و شوروی نیست و غیره. در گذشته مذکور این سخنان را... بویژه در خطاب به سرمایه داران انحصاری به پیش میکند، باین امید که در مقابل هنر خویش در مخالفت با چین و با کمونیسم پاداش بیشتری بگیرد. این همان بازی کهنه هیتلر است، فقط با این تفاوت که بر ژرف ناخشانتر بازی میکند. شما که اینقدر آرزویند آرامش در اوضاع بین المللی هستید چرا مصیبت خود را بایکی دو عمل ثابت نمیکید؟ مثلاً چرا ارتش خود را از چکسلواکی و جمهوری تودهای مغولستان بریزید؟ نمیکید؟ چرا جزایر چهارگانه شمالی ژاپن را با او باز نمیدید؟ آیا چین که بسرمین هیچ کشوری تجاوز نکرده و آن را

باشغال خود در دنیا آورده است باید همه سرزمین های چین را در شمال دیوار بزرگ چین به رومینونیست های شوروی بسپارد تا نشان بدهد که طرفدار آرامش بین المللی و خواستار بهبود روابط چین و شوروی است؟ خلق چین نه فریب میخورد و نه مزعوب میشود. اختلافات میان چین و شوروی بر سر مسائل اصولی نباید مانع عادی کردن روابط و دولت بر اساس پنج اصل هم زستی مسالمت آمیز گردد. مسئله مرزی چین و شوروی باید از راه مسالمت آمیز و بوسیله مذاکرات، درواز هرگونه تهدید حل شود... اگر ما حمله نشود ما حمله نخواهیم کرد. ولی اگر ما حمله شود به حمله متقابل خواهیم پرداخت. این اصلی است که پیوسته مراعات کرده ایم، وسخن مایکی است...

در اینجا نمیتوان این نکته را تانگید نکرد که باید بین سازش و بند وستی که رومینونیسم شوروی با امپریالیسم امریکا انجام میدهد و سازش شوروی کشورهای انقلابی با کشورهای له امپریالیستی فرق گذاشت. لنین میگفت: "مصلحه در اینهاست. باید توانست اوضاع و شرایط شخص را در مورد هر مصلحه یا هر یک از انواع مصلحه ها مورد تحلیل قرار داد. باید یاد گرفت بین شخصی که به راهزنان پول و اسلحه ادماست تا از میزان شتر آنان بکا هد و امر دستگیری و تیرباران آنها را تسهیل نماید" و شخصی که براهزنان پول و اسلحه میدهد تا در مقام راهزنانه شریک گردد، فرق گذاشت...

اینک که خواه در داخل و خواه در خارج کشور شرایط بسیار خوبی فراهم است امر چین را بخوبی فیصله دادن حاوی اهمیت بسیاری است...

حزب مائو در عرصه بین المللی باید به انترناسیونالیسم - پرولتاری و به سیاست پیگیر خود وفادار باشد، با پرولتاریا و خلق ها و ملت های ستمگن جهان، با کلیه کشورهای که دستخوش تجاوز، خرابکاری، مداخله، نظارت و اجحاف امپریالیسم اند، بمنظور تشکیل وسیع ترین، جنبه متحد بر علیه امپریالیسم، استعمار و استعمار نوین و بویژه بر علیه سیاست طلبی دو آبتر قدرت آمریکا و شوروی، از نزدیک تر متحد شود. ما باید با کلیه احزاب و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی واقعیتی جهان متحد شویم تا مبارزه بر ضد رومینونیسم معاصر را بسه پایان برسانیم...

ما باید باین آموزش صدر مائو یکدلانه وفادار بمانیم: "برای احتمال جنگ و ملیات طبیعی بقیه در صفحه"

دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!

برق اتمی!

کیهان ۲۷ مرداد می نویسد: "مقدمت احداث نخستین نیروگاه برق اتمی به قدرت تولید حداقل نیم میلیون مگاوات (توضیح: رقم روزنامه صحیح بنظر نمی آید و باید یانصد مگاوات باشد) از طرف وزارت آب و برق فراهم شد... هزینه تاسیس این نیروگاه بالغ بر یکصد میلیون دلار برآورد شده... محل نصب اولین نیروگاه هسته ای احتمالا یکی از شهرهای جنوب خواهد بود..."

در دنیای کنونی ما که مبارزه با امپریالیستهای که بخاطر سیاست های سودجویانه، ریخت و پاش، تولیدات بیپوده و تجلی خود دریا و خاک و فضا را به آلودگی کشیده هر روز دانه های وسیع تری یابد.

در دنیای کنونی ما که خلق های سراسر کیتی بیش از پیش در راه سلامت محیط زیست جهان و کشور خود که بخاطر مطامع سرمایه داران به مخاطره افتاده است پیکار می کنند، محمد رضا شاه از یکسو گاز و نفت ما را که تنها با بخش کوچکی از آن می توان سوخت شهرها و روستاهای کشور را بدون کمتر بین آلودگی تامین نمود، به تاراج می دهد (استفاده از گاز و نفت که در کشور ما علاوه بر غارت کمپانی عا همه ساله مقدار عظیمی از آن به آتش کشیده می شود برای تامین مستقیم سوخت خانگی یا تولید الکتریسیته توسط کارخانه های برق گازی، به علت سوخت کامل گاز و در نتیجه عدم تولید آلودگی عوا یکی از ایدآل های ترین در امر انرژی بشمار میرود. وانگهی در کشور ما هنوز از تمامی ظرفیت سد های موجود در تولید برق استفاده به عمل نیامده و تازه امکان ساختن صدها ستر کوچک و بزرگ دیگر نیز که از هر حیث بفتح مملکت است، وجود دارد.)

و از سوی دیگر بقیه یکصد میلیون دلار کارخانه برق اتمی سفارش میدهد. اما ای گاش قضیه به همین جا خاتمه می یابد. استفاده از کارخانه های برق اتمی خطرات عظیمی در بر دارد. بعقیده جان-و-کافمن، یکی از فیزیکدان برجسته آمریکائی و از مخالفین استفاده به اصطلاح صلح آمیز از اتم: "... صرف نظر از امکان بروز یک حادثه یا انفجار در چنین کارخانه هایی تنها اثر یک درصد مواد رادیو-اکتیو مصرفی کارخانه به خارج راه یابد (این رقم حداقلی است که در مدرنترین کارخانه های شیمیائی به فضا یا آب اطراف کارخانه درزی می کند) قادر است مناطق بسیار وسیعی را آلوده سازد. ذرات رادیو اکتیو که در فضا پراکنده می گردد میتواند همه ساله دهها هزار سرطان ریه و مری و میراضی ببار آورد. بخلاف ذرات رادیو اکتیو که بر خاک می نشینند علاوه بر نابودی و غیر قابل استفاده کردن محصولات و زمین زراعتی می تواند از طریق حلقه گیاه، گاو، شیر وارد بدن کودک شود... برای درک اهمیت خطر کافی است تنها یک عدد را بخاطر بسپاریم: یک کارخانه برق اتمی معمولی که در حدود هزار مگاوات انرژی تولید میکند همه ساله بماندازه هزار بمب هیروشیما انفاله رادیو اکتیو از نوع استرونیوم و سزیم تولید میکند (...)" (مجله نول د سرواتور شماره مخصوص ژوئن ۱۹۷۲)

در پایان برای اینکه هدف رژیم را از نصب این کارخانه بهتر درک کنیم بد نیست یاد آوری کنیم که از سال ۱۹۷۱ تا کنون که قرار بود جمعا یازده کارخانه برق اتمی در سراسر آمریکا ساخته شود علی رغم همه فشارهای انحصارات نیرومند صنایع اتمی و حمایت بیدریغی که دولت آمریکا و بخصوص شخص نیکسون از آنان به عمل می آورد، بر اثر مخالفت های فوق العاده شدید و تظاهرات دسته جمعی مردم آمریکا تنها دو عدد آنها به کار افتاد.

خوشبختانه نصب چنین کارخانه های در ایران نمیتواند به سرعت انجام پذیرد به همین سبب مقامات دولتی اعلام کرده اند که این پروژه که مقدمات آن از هم اکنون تهیه شده تا ۶ سال دیگر پایان خواهد رسید، تا آن سال قرارهای دیگر نیز وجود دارد، تا آن سال قرار است نیمی از نفت کشور ما به کمپانی های غارتگر تحویل گردد، تا آن سال قرار است بجای خانه و مدرسه و بیمارستان در سراسر کشور ما هزاران زندان و فرودگاه و پایگاه نظامی ساخته شود، تا آن-

یک درخت و هزاران درخت

کیهان شنبه ۱۳ مرداد می نویسد: باغداران خرم آباد برای اینکه در آینده مشمول مجازات قطع درخت نشوند ۶۶ هزار و ۵۰۰ اصله درخت را در باغات خود قطع کردند. اینکار بدنبال تقدیم لایحه حفظ و گسترش فضای سبز به مجلس صورت گرفته که هم اکنون پس از تصویب مجلس شورای ملی برای سیر مراحل قانونی خود به سنا فرستاده شده برای برپید هر درخت در محدوده شهرها و روستاهای مجاور تا ۳ سال حبس و ده هزار ریال جریمه تعیین شده.

همان شماره: ۱۴ تا مجری که هزار و سیصد و پنجاه تن قد و شکر را اختکار کرده بودند... به جزای نقدی از ۲۰ هزار تا دویست هزار ریال یا به ۶ ماه تا دو سال زندان یا به عمر و مجازات محکوم خواهند شد.

می بینیم ساطور رژیم، برابری نهی با ریکتر از موکارتی اقتد و اگر فی المثل یک روستا کسی یا شهری تنها یک درخت کوچک حیاط یا باغ خود را برای تهیه هیزم زمستان یا فروش چوب آن جهت سر و سامان دادن بگوشه ای از زندگی محقر خود قطع کند، تحت عنوان خرابکاری در امر فضای سبز به سه سال حبس و پرداخت ۱۰ هزار ریال جریمه نقدی که گاه از خرج سالیانه او و خانواده اش نیز فراتر می رود محکوم میگردد در حالی که مجازات سرمایه داران گردن گلفتی که بیش از یک میلیون کیلو قد و شکر را اختکار کرده اند تا آنرا از کیلویی ۲۴ ریال به کیلویی ۴۰ تا ۵۰ ریال به فروش رسانند فقط پرداخت مبلغی است که از خرج سالیانه و گاه ماهیانه سنگین کرده آقا یا ن نیز کمتر است یا تنها ۶ ماه تا دو سال زندان است که آنرا هم طبق قوانین جاری می شود خرید و تازه در اغلب موارد نیز سزای قضیه با یک تلفن پول چایی به هم می آید. اما از اینها گذشته کسانی که خود هزاران هکتار از جنگلهای به اصطلاح ملی شده کشور ما بین شرکت های خارجی، آشنایان و سر سپردگان تقسیم کرده اند و بی پروا به قطع یکسره جنگلهای سر سبز، این عظیم ترین ثروت مملکت پس از نفت و مس و پتروشیمی و هر بلائی که دلشان خواست بر سر جنگل و درختان بیزبان آن می آورند چگونه می توانند از حفظ و گسترش فضای سبز دم بزنند و اگر قطع یک درخت زرد آلودی خشکیده سه سال حبس و ده هزار ریال جریمه داشته باشد مجازات کسانی که هر روز هزاران درخت راش و بلوط و افرا را قطع میکنند چقدر می شود؟

بچه زاندارم

"... بچه زاندارم هائی هم هستند، آنهایی که میخواهند نقش نایب زاندارم را در این منطقه بازی کنند، چنان که کوئی کشورهای عربی ساحلی خلیج قادر بر هدایت خویش نیستند. این اشخاص که تعلیمی نیم قد خود را بر دست گرفته اند بهمان سرنوشت زاندارم کل گرفتار خواهند شد"

از مصاحبه بودین رئیس جمهور الجزیره در گفتار کشورهای غیر متعهد. لوموند ۵ سپتامبر

سال قرار است ایران را از مینوهای گشته و زخمی که سیر بلا بیگانگان شده اند بر سازند، تا آن سال قرار است مینوهای نفر محصل و دستان و کارگر ایرانی بضرر شلاق در معادن و کارخانه ها و اراضی متعلق به بیگانگان به کار گرفته شوند.

اما آیا ملت ایران دست روی دست ساکت خواهد نشست؟ آیا ملت ما در دشوارترین لحظات تاریخ خویش و در برابر خونخوارترین مهاجمان حماسه های دلآوری و میهن پرستی نیافریده است؟ آیا صغیر گلوله های فرزند ان خلق هم اکنون خواب خوش سرمایه داران بیگانه و توکران داخلی آنها را برهم نزده است؟ آنجا که توفان خشم ملیونهاد متان و کارگر و پیشه ور آگاه و متشکل و مسلح به حرکت درآید تمام نقشه های پلید استعمار نوین را از غرض کشور خواهد زدود.

خلاصه گزارش... بقیه از صفحه ۳ آماده شدن، همه کارها را بسود خلق انجام دادن، "نیز زمین های عمیق حفر کردن، ذخایر غلات در همه جا فراهم آوردن، و هیچگاه به صرافت سیاست طلبی نیفتادن، هشجاری بسیار بخرج دادن، و کاملاً برای برانگیخته شدن احتمالی جنگ تجاوزکارانه از طرف امپریالیسم و بویژه حمله غافلگیرانه از طرف سوسیال امپریالیسم شوروی بر علیه کشور ما آماده گشتن...

(۱) - اشاره لنین به مثالی است که خود او در صفا پیشین می آورد و میگوید: "فرض کنید که اتومبیل شمارا راهزنان مسلح متوقف ساخته اند. شما پول و شناسنامه و گپانچه و اتومبیل را بآنها میدید و از همنشینان دلپذیر بآنها خلاص میشوید. بدون شك این يك مصالحه است... ولی مشکل بتوان آدم عقل نابخشودنی را پیدا کرد که چنین مصالحه های را از نظر اصولی غیر مجاز بخواند."

منتخبات لنین بفارسی جلد ۲ قسمت ۲ ص ۴۸ - توفان

نکته

در باره سیاست جمهوری تود های چین نسبت به نهضت آزاد بخش خلق های عرب

در تابستان اسامیل بدعوت جمعیت دوستی چین با خلق های جهان میثقی از "جبهه توده ای دموکراتیک فلسطین" بدت دو هفته از چین دیدار کرد. در این مدت جلسات متعددی از اعضا هیئت و جمعیت مذکور به منظور مشاوره و تبادل نظر و تجارب تشکیل گردید که در یکی از آنها رئیس بخش امور آسیا و آفریقا در وزارت خارجه چین و معاون روابط خارجی در وزارت دفاع و عده های دیگر از مسئولان آن وزارتخانه نیز حضور داشتند. روزنامه "الحریه" در شماره ۱۶ ژوئیه مینویسد: "هیئت نمایندگی فلسطینی، بنا بر صداقت پیکار جویانه میان چین تود های و نهضت آزادی بخش میهنی عربی و عموم بخش های انقلابی آن، بطرح برخی از ملاحظات در باره سیاست رفتاری چینی در مورد مسائل میهنی عربی و از جمله اظهارات وزیر خارجه چین در هنگام دیدار اخیر از ایران پس از رفتن چینی نظریات خویش را شرح دادند و تاکید کردند که چین پشتیبان مبارزه عادلانه خلق فلسطین برای رهائی کامل سرزمین فلسطین و پیکار عادلانه خلق های عرب بود اسرائیل و امپریالیسم است."

حزب دولت جمهوری تود های چین ممکن نیست از طعم روزی های ایران در خلیج عربی جانبداری کنند زیرا که چنین چیزی نه فقط با مشی عمومی سیاست خارجی چین نمیخواند بلکه مصالح خلقی های این منطقه و وضع خلق ایران که در موضع مخالفت با پیمان های تجاوزکارانه و طعم روزی های توسعه طلبانه قرار دارد و آرزوی پیوند استوار و پرشور با یکی از خلق های مبارز در راه آزادی و ترقی است زبان میرساند."

کلاه گذار

دول روسیونیستی و در رأس آنها دولت شوروی، نفت "ملی شده" عراق را از طریق معاملات پایاپای بهنهای ارزان میخرند و آنگاه در بازارهای اروپای غربی بفروش میرسانند. مثلاً چندی پیش ۵۰۰۰ تن نفت "ملی شده" عراق از راه آلمان شرقی از قرار بشلگی ۲/۲۱ دلار در غرب معامله شد، و حال آنکه شرکت های امپریالیستی پیش از "ملی شدن" نفت عراق برای هر بشکه ۲/۳۵ دلار میبرد داشتند. از اینجا می توان دریافت که امروزه نفت عراق تاجه اندازه برای دولت های روسیونیستی ارزان تمام میشود.

نخستین بار دولت شوروی در قرارداد ۱۹۷۰ که با عراق منعقد ساخت حق باز فروش نفت آن کشور را بدست آورد. سپس سایر کشورهای دست نشانده او در اروپای شرقی نیز این حق را از دولت عراق گرفتند.

اقتباس از مجله "النصر شماره ۹"

این نمونه ای است از اینکه سوسیال امپریالیست های شوروی واقف آنها چگونه از اشکالات اقتصادی و سیاسی خلق ها و دولت های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین سوء استفاده می کنند.

درد پر شور و افتخار بر زندانیان سیاسی

کارگران ... بقیه از صفحه ۶
 اگر کارفرما بخواد کارگر را فوراً اخراج کند باید حقوق یک ماهه با و بپردازد ، مگر آنکه ... مگر آنکه اخراج بر اثر قصور یا تقصیر او در انجام وظیفه باشد " (ماده ۲۱) . و این امر را کی تشخیص میدهد ؟ - " شورای حل اختلاف " .
 شورای حل اختلاف مرکب از چه کسانی است ؟ - مرکب از نماینده وزارت کار و امور اجتماعی ، نماینده وزارت کشاورزی ، نماینده وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی (ماده ۲۵) .
 حتی یک نماینده دهقانان و یا کارگران کشاورزی برای حفظ ظاهر در این شورا گنجانیده نشده است ! و بدیهی است که نمایندگان دستگاه دولتی محمد رضا شاهی دور هم جمع میشوند تا از منافع دهقان و کارگر پابرهنگه و گرسنه و بی پناه دفاع کنند !

ماده ۲۶ تأکید میکند که تصمیمات وزارت کار و شورای حل اختلاف " با کمک مامورین انتظامی ، بموقع اجرا گذارده خواهد شد " .
 آخر رانندگانی که بیپرده در ده گماشته نشده اند ، قنداق تفنگ آنها اگر سر و سینه‌های را خورد و خمیر نگذازد ، هیبت می افتد . سرنیزه آنها اگر با خون شستشو نشود زنگ میزند . گلوله آنها اگر مدت زیادی در خزانه بماند خفشان میگرد !

" قانون کار کشاورزی ، " مظهری از " اصلاحات ارضی " محمد رضا شاهی است ، بیانی از ستم و استبداد قرون وسطا در روستای ایران است ، گواه روشنی از بیحقوقی دهقانان و کارگران کشاورزی است .

هیچ حکومتی جز حکومت کارگران و دهقانان برهبری طبقه کارگر برای روستائیان ایران زمین و آزادی نخواهد آورد . این حکومت را دیر یا زود زحمتکشان ایران با مبارزات صمانه خود ، با توسل به قهر انقلابی ، با جنگ توده‌های دهقانی بر سرند خواهند نشانید .

عدالت اجتماعی

" ولی عدالت اجتماعی مطلب دیگری است . عدالت اجتماعی آنست که هرکسی بدون تعلق آخر سال مالیات خود را به نسبت درآمد به نسبت قانون موجود بپردازد "

محمد رضا شاه در ۱۰ بهمن ۱۳۵۱

این فلسفه ملوکانه را میتوان ادامه داد :
 عدالت اجتماعی آنست که هر کارگری تمام روز " بدون تعلق " برای کارفرما کار کند و طبق قانون موجود استثمار شود .
 عدالت اجتماعی آنست که هر دهقانی تمام سال " بدون تعلق " برای ملاک کار کند و طبق قانون موجود استثمار شود .
 عدالت اجتماعی آنست که هر مینهن پرستی " بدون تعلق " در شکجه گاههای سازمان امنیت بسربرد و طبق قانون موجود اعدام شود .
 عدالت اجتماعی آنست که ...

قسم یا دم خروسی؟

کیهان ۳۱ خرداد در مورد گاز وقت مینویسد:
 " ... مسئولان ملکی یا عقد قرارداد جدید نفت ابتکار و در عین حال فدکاری خود را در راه حفظ ! منابع طبیعی و خدادادی کشور و تا بین جداگر منافع موجود از آن را نشان دادند ... و در جای دیگر مینویسد " ... اگر ما تا آخر این قرن منابع تازه‌ای کشف نکنیم نفت ما خشک خواهد شد ... "

تا اینجا معنی ابتکار و در عین حال فدکاری در راه حفظ منابع طبیعی کشور را فهمیدیم و اما تا " بین جداگر منافع ملی ... " بمنظور برنامه ریزی صحیح باید حتی المقدور از عقد قرارداد های فوری برای فروش گاز خود داری کنیم زیر دیری نخواهد گذشت که سطح قیمتها به علت کمبود انرژی و قحطی نفت بالا خواهد رفت .
 در حالی که میدانهای نفت ایران تولید نفت را از ۵۲ میلیارد تن در سال به ۲۲۷ میلیون تن افزایش داده و تازه می خواهد همین مقدار را نیز در چهار پنج سال آینده دو برابر سازد .

" پیمان امنیت ... بقیه از صفحه ۶ در اروپا تجزیه مسلحانه پاکستان را از سوی شرق تدارک دید و تحقق بخشید و اینک در توطئه تجزیه مجدد آن کشور از سوی بلجستان است ، دولتی که هنوز ارتباط سیاسی و پشتیبانی خود را از حکومت پوئالی و دست نشانده " لون تل - این عامل استعمار و مایه جنگ خونین - بر نگرفته و حاضر نشده است دولت جبهه متحد ملی کامبوج را بر سمیت بشناسد ، دولتی که با امضای تصمیم شورای امنیت ملل متحد مورخ نوامبر ۱۹۶۷ و موافقت نامه راجرز - کرومیکو و با انواع دسائس دیگر میکوشد تا خلق های عرب را از مقاومت مسلحانه در برابر صهیونیسم و امپریالیسم و رهایی سرزمین های خویش باز دارد ، دولتی که برای اسرائیل - این سریل امپریالیسم و کانون جنگ در خاور میانه - ده ها هزار سرباز و متخصص بصورت " مباحث " فرستاده و میفرستد ، دولتی که قریب یک میلیون سرباز در مرزهای جمهوری تودهای چین متمرکز کرده است ، دولتی که کشتی های جاسوسی و جنگی خود را برای نخستین بار در تاریخ بحرییمائی روسیه به درون دریای چین اعزام داشته است ... چنین دولتی ریاکارانه ادعا دارد که هوادار " تامین صلح و امنیت در قاره آسیا " و " خود داری از استعمال زور و تهدید با استعمال زور " و " صونیت مرزها " و " عهد اخلاقی را مورد اخلال دیگران است ! این اغلامیه را نماینده دولت ایران امضا کرده است که اقتضار میکند که اخیراً بمقام ژاندارمی خلیج فارس ارتقا یافته است ، دولتی که برای کشتی های جنگی اسرائیل نفت میفرستد و برای بمباران ویران شمالی هواپیما در اختیار امپریالیسم آمریکا میگردد ، دولتی که هم اکنون ارتش برای سرکوبت ظفار فرستاده است ، دولتی که برای اجرای تحرکات نظامی بر علیه جمهوری تودهای یمن به یمن شمالی متخصصان نظامی اعزام داشته است !

رادیوی رومیزیست های ایران از اینکه محمد رضای با سوسیال امپریالیسم شوروی وارد بندوست جدیدی شده ا جنان بوجد آمد که روز دوشنبه ۲۲ مرداد (۱۳ آوت) در وصف اعلامیه کاسیگین - هویدا گفت : این اعلامیه سند است که دولت ایران با کوشش عظمی و صادقانه در اجرای مفاد آن میتواند نقش ارزنده ای در مسائل منطقه ای و آسیائی بازی کند ... و کسب اعتبار کند "

ملاحظه میکنید که دیگر ماهیت رژیم محمد رضا شاه مطرح نیست . این رژیم با عمین ماهیت عمیقتر که در اجرا نقشه های تجاوزکارانه اتحاد شوروی شرکت جوید و " پیمان جمعی امنیت آسیا " را موشع گرداند " میتواند نقش ارزنده ای در مسائل منطقه ای و آسیائی بازی کند ... و کسب اعتبار کند " !
 و بدیهی است که دولتی با چنین نقش ارزنده و با این ذخیره اعتبار از پشتیبانی رومیزیست های ایران برخوردار خواهد بود (و در واقع همین امروز نیز برخوردار است) ! اما طرح توطئه " پیمان امنیت جمعی آسیا " نه فقط برای دولت هائی نظیر دولت ایران کسب اعتبار نخواهد کرد بلکه بی اعتباری دولت سوسیال امپریالیستی شوروی و عهدستنی او را با امپریالیسم آمریکا و حکومت های ارتجاعی فاشتر خواهد ساخت و خلق ایران را به پیگیری صمانه تر بر علیه سیاست آمریکا و شوروی و هر امپریالیسم دیگر و به تحکیم رشته های پیوند با خلق کبرچین و همه خلق های جهان و منجمله خلق شوروی که افتخارات عظیم انقلاب اکبر را در پشت سر دارد برخواهد انگخت "

دریای خزر

یا زباله دان صنایع شوروی

" ... دریای خزر در شمال که دریائی است بسته و راهی باقیانوس ندارد . چنان درجای از آلودگی رسیده که متخصصین میگویند سالیانه طیونها ماهی در آن از میان میرود و البته در آلودگی آن همسایه شمالی ماسم اصلی راداشته ... دریای خزر با فضولات روز افزون صنعتی شوروی که از طریق رودخانه ولگا و تا " سیسات صنعتی و نفتی آن باین دریا وارد شوئی سخت در معرض خطر است که البته بیشتر این آلودگی متوجه نقاط جنوبی و عمیقتر یعنی سواحل ایران است "

تهران اکنون بیست و دو تیر ۱۳۵۲

سندی از ... بقیه از صفحه ۶ تودهای سر نهضتی را که بدست ارتجاع و امپریالیسم سرکوب شود انکار میکند بعقیده او نهضت مردم ایران در آذربایجان در سال ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ و در خرداد خونین ۱۳۴۲ هم تودهای نبود چونکه بدست نیروی مسلح محمد رضا شاه سرکوب شد !

رهبری رومیزیست شوروی در برابر نفرت بنهضت فلسطین تا آنجا پیش میرود که چنین توصیه میکند : بجای ماده ۳ در بار ارزیابی نهضت فلسطین که میگوید : نهضت خلق عسری فلسطین ، نهضت آزاد بیخش عادلانه ای است که جز " لاینفک نهضت انقلابی جهانی بشمار می آید " فقط نوشته شود : " جزئی از نهضت آزاد بیخش میهنی " (ص ۱۵۱) ! این نظریه رهبری رومیزیست شوروی ناشی از قضاوت منفی عمومی اونست به نهضت های آزاد بیخش ملی و جنبه انقلابی آنها باقیانی است .

امروز همه جهان می بیند که نهضت مسلحانه خلق فلسطین چه تا شیر عظیم در تجهیز عموم خلق های عرب و بلکه همه خلق های خاور میانه دارد و چه ضربات مؤثری بر نیروهای اشغالگر اسرائیلی وارد می آورد . ولی نابیانی سیاسی رهبری رومیزیست شوروی باو امکان مشاهده این واقعیت را نمی دهد . وی تحقیرکنان درحاشیه برنامه مینویسد : نهضت مقاومت (فلسطین) هیچگونه اثر نظامی جنگی (وسیا جدی) نداشته ، و اسرائیل حتی میتواند است آن را ندید بگیرد " (ص ۱۵۳) !

در عین حال ، رهبری رومیزیست شوروی ، نویسندگان برنامه را سرزنش میدهد که چرا در حل مسئله فلسطین " بر روی مبارزه مسلحانه بیش از ماحل های دیگر تکیه کردند " (ص ۱۴۶) ! رهبری رومیزیست شوروی تا " سپس دولت فلسطینی را بپرچمانه بسخره میگرد و میبرد ؟ حد و دوش چه خواهد بود ؟ در کجا ؟ در چه وقت ؟ " (ص ۱۴۵) !

او آرمان ملی خلق فلسطین را خواب و خیال کودکان تلقی میکند ! رهبری رومیزیست شوروی از تنضم کنندگان پیمان بخشم می آید که نوشته اند دولت اسرائیل " کانون خطری برای سر نوشت صلح جهانی است و مدمت کتان متذکر میشود که این مبالغه است (ص ۱۵۶) ! رهبری رومیزیست شوروی از اینکه خلق های عرب بمعق نقشه های امپریالیستی در خاور میانه و باهویت خطر اسرائیل بی ببرند نگران است !

اما رهبری رومیزیست شوروی چه راه حلی برای قضیه فلسطین پیشنهاد میکند ؟

او افسانه خود را چنین سر میدهد : اسرائیل از طرف صهیونیسم بصورت افزار امپریالیسم جهانی درآمده است . ماب عبارتست از قطع این پیوند . و این امر از این طریق حاصل میشود که مسئله فلسطین از راه سیاسی حل گردد و دیگر اسرا نتواند به افکار عمومی و به یهودیان جهان برای نجات خویش از خطر موهوم مراجعه کند " (ص ۱۵۶) ! مطابق این افسانه : قدرت تجاوزکاری اسرائیل در اینجاست که وی وجود خطر موهوم از جانب اعراب را بهانه ساخته از افکار عمومی واز یهودیان جهان کمک بگیرد ، و روزی که این بهانه از میان بر خیزد دیگر اسرائیل نخواهد توانست از افکار عمومی و از یهودیان جهان کمک بگیرد و دیگر تجاوزکاری او منتفی خواهد شد و از صورت افزار امپریالیسم جهانی هم بیرون خواهد آمد ! اینست افسانه ای که میخواهند با سرودنش خلق های عرب را در خواب کنند !

رهبری رومیزیست شوروی چون تصور نمیکرد ما ست که توصیه های محرمانه اش در اثر اختلافات درونی حزب رومیزیست نیست سوریه برملا شود اینطور بی پروا و از دل سخن گفته است این بی پروائی در زبان دیپلماتیک او دیده نمیشود ولی دیپلمات مزروراناش مضمونی جز همین توصیه هاند ارد .

عنوان مکاتبات
 X GIOVANNA GRONDA
 24030 VILLA D'ADDA/ITALY
 حساب بانکی
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO/ITALY

پیروز باد جنگ توده‌ای خلق کامبوج

« پیمان امنیت جمعی آسیا »

شوروی به پیشرفت های مهم سیاسی و اقتصادی در کشورهای نائل آمده است، امروز دولت شوروی پایگاه های متعدد دریایی در اقیانوس هند و خلیج فارس است، همچنین سوسیال-امپریالیسم شوروی در سایه بسط همکاری با امپریالیسم آمریکا توانسته است قرارداد های مهمی برای تحکیم نفوذ اقتصادی و سیاسی خویش در ایران با حکومت محمد رضا شاه امضا کند، از طرف دیگر سیر حوادث جهان نشان میدهد که نیروی عظیم جمهوری تود های چین در افشا و بهم ریختن نقشه های نو استعماری آمریکا و شوروی و در دفاع از مبارزات ملی و ضد-امپریالیستی و انقلابی خلق ها روز افزون است و امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم در وجود جمهوری تود های چین با در تسخیر ناپذیر انقلاب جهانی روبرو هستند . . . همه این عوامل باعث شده است که ریزش های شوروی بار دیگر بسراغ طرح " پیمان امنیت جمعی آسیا " بروند . و ایران در این معامله یکی از اولین مشتری های آن است .

در اعلامیه ای که در مسکو بوسیله نخست وزیر شوروی و نخست وزیر ایران امضا شد گفته میشود که دو طرف " با توجه به ضرورت تشریح مساعی و همکاری همه کشورهای آسیایی در امر تأمین صلح و امنیت در قاره آسیا بر اساس خود داری از استعمال زور و تهدید با استعمال زور و احترام به حق حاکمیت و مصونیت مرزها و عدم مداخله در امور داخلی دیگران، توسعه همکاری همه جانبه بر اساس احترام متقابل و برابری حقوق ملل در صد تحقق بخشیدن به " سیستم امنیت دسته جمعی در آسیا " برآمده اند .

این اعلامیه را نماینده دولتی امضا کرده است که علاوه بر اشغال فاشیستی چک اسلواکی بقیه در صفحه ۵

طرح " پیمان امنیت جمعی آسیا " طرح کهنه و رنگ و رو رفته ایست . نخستین بار پس از جنگ دوم جهانی از طرف دالس، وزیر خارجه آمریکا، بمثابه زنجیری برای خلق های آسیا و کمربندی بدور جمهوری تود های چین بیان آمد ولی پس از چندی در اثر مبارزه نیروهای ضد استعمار بمنزله کالابنجل و نکبت آور از بازار سیاست خارج شد . سالها بعد ژانویه ۱۳۴۸ برزنف در بیروت حزب ریزش های شوروی این طرح را از زیر گرد و خاک بیرون کشید، آرایش جدیدی داد و امضا شوروی را بجای آمریکا دریای آن نهاد آن را در کنفرانس احزاب ریزش های شوروی منعقد در مسکو علم کرد . اما موفقیت برزنف در این مورد بیشتر از موفقیت دالس نبود و چهار سال تقریباً بسکوت برگزار شد . اینک جنجال تبلیغاتی ریزش های شوروی در آسیا " پیمان امنیت جمعی آسیا " بار دیگر بر خاسته است و علقش وجود شرایط جدیدی است که سوسیال امپریالیسم شوروی را به پیشرفت مقاصد دیرینه امیدوار میسازد : همکاری شوروی و آمریکا در تقسیم سیادت بر جهان به مرحله تازه ای قدم نهاده و با قراردادها و موافقت های سری و غنسی جدیدی توسعه یافته است، همکاری مذکور با سود آگری بر سر حقوق خلق ها و دولت ها - و از آنجمله در مسئله برلن - شرایطی در اروپا بوجود آورده است که بشوروی امکان میدهد که نیروی نظامی و سیاسی بیشتری بر طبقه جمهوری تود های چین در آسیا تجهیز کند، در عرض سال های اخیر سوسیال امپریالیسم شوروی با تسلیم دولت تجاوزکار هند موفق شده است پاکستان را که از مخالفان پیمان پیشنهادی " امنیت جمعی آسیا " بود تجزیه کند و دولت جدیدی در زیر حمایت شوروی و آمریکا بوجود آورد، در همین مدت سوسیال امپریالیسم

کارگران کشاورزی

وضع کارگران روز افزون کشاورزی بسیار ناگوار و ناآرام کننده است . " اصلاحات ارضی " محمد رضا شاهی باعث شده است که تعداد بیشتری از دهقانان میانه حال و تهیدست از هستی ساقط شوند و بصوف کارگران کشاورزی بپیوندند . مالکان قدیم و جدید از این موهبت استفاده کرده این دهقانان بی پناه را به شدیدترین استثمار قرون وسطایی دچار میکردند . دولت نیز که مظلومش دفاع از منافع مالکان و سرمایه داران است با تنظیم لایحه " قانون کار کشاورزی " که در آذر ۱۳۴۸ مجلس داده شد کارگران کشاورزی را با زنجیرهای قانونی در پای آنان انداخته است . اینک نظری به چند ماده از این قانون :

ماده ۱۵ در مورد حداقل دستمزد کارگر کشاورزی میگوید : " حداقل دستمزد همان خواهد بود که بنا به عرف هر محل به کارگر ساده در بدو اشتغال پرداخت میشود . بدیهی است که عرف روستای ایران عرف قرون وسطایی است و دستمزد " بدو اشتغال " زحمتکاران روستای ایران همان اندازه است که همیشه فقودال های ستمگر میبرد اخته اند یعنی باندازه مرگ تدریجی . اینک حکومت کودتا که لایف و گزاف " اصلاحات " هم دارد این حداقل را تثبیت کرده است .

ماده ۲ مقرر میدارد که روز کار ۱۰ ساعت است . اما قانونگذار باین اندازه که کارگر کشاورزی روزی ۱۰ ساعت کار کند قانع نیست و مقرر میدارد که " کارفرما میتواند با توجه به طبیعت کار و عرف محل و فصل مختلف و بموجب قرارداد کار ساعات کار را در بعضی از روزها کمتر از ۱۰ ساعت تعیین کند و در سایر روزها ساعات کار را افزایش دهد " . این ماده تمام اوقات زندگی کارگر را در اختیار کارفرما قرار میدهد . کارفرما حق دارد هر موقع که منافع بهره برداری او اقتضا کند، مثلاً هنگام آبیاری کشت، برداشت محصول، چرای تابستانی و غیره ساعات کار کارگر را بعد از آنکه امکانات جسمی او و مثلاً تا ۱۵، ۱۶ ساعت بالا ببرد و برای این ساعات اضافی که عموماً (طبق قوانین کار) اگر ممنوع نباشد مستحق پاداش و دستمزد اضافی است یک شاهی بیشتر نپردازد . بدیهی است که کارگر در چنین شرایطی به مراتب فرساینده تر از ۱۰ ساعت کار منظم است که بخودی خود بیش از ۸ ساعت کار معمولی است و کارگر را از پاداشی آلود .

ماده ۸ حتی برقراری تعطیل جمعه را نیز لازم ندانسته و آن را به آئین نامه " شورای عالی کار کشاورزی " محمول ساخته است .

بطور کلی (طبق ماده ۹) کارگر کشاورزی فقط ۸ روز در سال تعطیل دارد و حتی در ایام نوروز فقط دو روز اول عید و سیزده (میتواند تعطیل داشته باشد . واقعا تساوت عجیبی لازم است که کارگر و دهقان ایرانی را از برگزاری آئین کهن سال نوروزی نیز محروم گردانند !

کارگر کشاورزی پس از ۱۲ ماه کار فقط میتواند ۶ روز خجسته با حقوق داشته باشد (ماده ۱۰) و تازه اندازه حقوق این ۶ روز را هم باید " شورای عالی کار کشاورزی " معین کند (ماده ۱۱) !

هر دهقان زاده ای از ۱۰ سال به بالا میتواند کارگر کشاورزی شود (ماده ۱۲-۱۳-۳۱) ! در اینجا حتی ماده عادی قوانین کار که کار اطفال کمتر از ۱۴ را قضا میکند زیر پا گذاشته شده است .

ماده ۱۶ میگوید که زنان کارگر برای کار مساوی دستمزد مساوی با مردان دریافت خواهند داشت . ولی هیچگونه حقی برای زنان در ایام بارداری و وضع حمل قائل نشده است ! این مادران مصیبت کشی کارگر باید تا روز وضع حمل در سرخورن، در دست برنجکاری، در پشت گاواهن، در پشت سر گلبرای کارفرما جان بکنند و روزهای پس از وضع حمل هم نوزاد نازنین خود را بر پشت خویش از این سو بآن سو بکشانند ! اینست آن منظره قرون وسطایی که قانون محمد رضا شاهی برای روستا ایران تثبیت میکند ! بقیه در صفحه ۵

سندی از ریزش های شوروی در باره نهضت نجات بخش خلق فلسطین

انداختن اسرائیل بمثابه دولت است (ص ۱۵۰) . رهبری ریزش های شوروی بآن درجه از کینه توزی با نهضت فلسطین رسیده است که از هیچگونه تحقیر و توهین آن امانی ندارد و حتی به ریزش های شوروی سوره میزند که چرا این نهضت را نهضت تود های خوانده اند ! بعین عبارت او توجه کنید که می نویسند : " در صفحه ۴۹ (برنامه) گفته شده است : نهضت مقاومت فلسطین نهضتی تود های است ! این درست نیست . صحیحتر آن است که گفته شود : باید تود های شود، و اینگونه این موضوع را مسکوت بگذارد (ص ۱۵۳) ! رهبری ریزش های شوروی تا کما قوای مسلح فلسطینی را در برابر حملات خائنانه و خونخوارانه ارتجاع ارتجاعی و وسیله ای برای بی اعتبار ساختن نهضت فلسطین گردانیده مانند سیاهترین مرتجعان استدلال میکند که اگر نهضت فلسطین نهضت تود های است " پس چرا در آن که ۶۰ درصد مردش فلسطینی هستند - نهضت مقاومت باین شکل ازین برده شد (ص ۱۵۳) ! رهبری ریزش های شوروی باین طریق ماهیت بقیه در صفحه ۵

ریزش های شوروی منافقانه از دوستی با خلق های عرب دم میزنند و در نهان بسود آگری با امپریالیسم آمریکا و اسرائیل مشغول اند . نفاق افکنی در صفوف نیروهای فلسی و ضد امپریالیستی، بستن دست های خلق ها و دولت های مترقی عربی، منفرد ساختن و تحلیل بردن نهضت مسلحانه خلق فلسطین، مبنای سیاست آنهاست، و احزاب ریزش های شوروی کشورهای عربی از عوامل مهم این سیاست شوم بشمار می روند .

مادر این مورد بارها سخن گفته ایم و اینک سند مهم و عبرت انگیزی را از نظر خوانندگان گرامی توفان میگردانیم . سالهاست که حزب ریزش های شوروی - که در اردوستان خائن معروفی چون خالد بکاش در آن است - در تشتت فکری و تشکیلاتی کامل بسر میبرد . کنگره سوم این حزب در ژوئن ۱۹۶۹ تشکیل شد تا به مناقشات و تصادمات داخلی رسیدگی کند و طرح برنامه ای را ببحث که بعداً تکمیل و در دسترس اعضا گذاشته شد . چون اختلافات درونی بسیار شدید بود این برنامه را نزد " ارباب کل " یعنی حزب ریزش های شوروی فرستادند و مقامات رهبری آن حزب در مه ۱۹۷۱ نظریاتی در باره " برنامه " مذکور نوشتند . اخیراً مجموعه این اسناد در بیروت تحت عنوان " مسائل مورد اختلاف در حزب کمونیست - سوریه " منتشر شده است . ما آن قسمت از نظریات رهبران ریزش های شوروی را که مربوط به مسئله فلسطین است بطور خلاصه در اینجا می آوریم :

رهبری ریزش های شوروی بر آنست که دولت اسرائیل واقعیتی است که نباید بدان دست زد، و کمترین اشاراتی را که در خلاف این جهت باشد تکمیر میکند . رهبری ریزش های شوروی نویسندگان برنامه " حزب سوریه " را مورد عتاب قرار میدهد که چرا از " وطن غصب شده " فلسطینیان صحبت کرده اند و حتی چرا از برانداختن صهیونیسم از سرزمین های عربی گفتگو بپیمان آورد مانند زیرا که " معنای این امر برانداختن دولت اسرائیل است " (ص ۱۴۷) (ص ۱۴۹) . رهبری ریزش های شوروی حتی اجازه نمیدهد که خلق فلسطین در خیال " آزاد ساختن میهن خویش " باشد زیرا که " معنای این امر، بر-

پنج سال اشغال فاشیستی

۲۱ اوت ۵ سال از اشغال فاشیستی چک اسلواکی بوسیله سوسیال امپریالیست های شوروی گذشت . اشغال چک اسلواکی نشانه بحران سیستم ریزش های شوروی بود . دلیل آن بود که دیگر تزارهای کمپین نمیتوانند امپراتوری خود را جز با شیوه های صریحاً نظامی فاشیستی حفظ کنند . علامت آن بود که اتحاد شوروی بطور قطع به دولت تجاوزکار امپریالیستی بدل شده و ریزش های شوروی به مرحله سوسیال امپریالیسم گام گذاشته است .

امروز خلق چک اسلواکی در زیر ستم دوگانه سوسیال امپریالیسم اشغالگر و اردوستانه مرتد و خائنی که برای اجسرای سیاست " عادی کردن " یعنی سیاست سرکوب مقاومت بر مقام قدرت نشسته است، بمنظور نیل به آزادی و استقلال و تحقق آرمان های اجتماعی خویش مبارزه میکند و تانک های سوسیال امپریالیست های راهزن قادر به خاموش ساختن این مبارزه مقدس نخواهند بود .

پیروز باد جنگ توده های خلق فلسطین و ظفار